آژیر

دارنده امتیاز و مدیر مسئول
ج. پیشه وری

آژیر بغیر از روز شنبه هر روز صبح منتشر میشود

سال اول شماره ۴۵ — صبح ۳شنبه سوم مرداد ۱۳۲۲ — تکشماره یکریال

بهای اشتراک

ساليانه	۲۵۰ ريال
ششماهه	۱۴۰ «

برای کارگران و کشاورزان ومحصلین و کارمندان جزء دوائر صدی بیست تخفیف منظور میگردد

بهای آگهی با دفتر اداره است

جای اداره: خیابان [illegible] کوچه [illegible]

هنوز سر خرمن است

هنوز سر خرمن است. هنوز مردمان گرسنه میتوانند باخوشه چینی و تهیه بعضی از خوردنیهای ارزان و دیر شکم خودرا سیر نموده جرعه نان یابند.

هنوز دهقانان [illegible] ملخ [illegible] و خیابان شهر [illegible] در ده آرد [illegible] میتوانند [illegible] باوجود این قیمتها هر آن [illegible] و صداهای مردمان [illegible] شهرستانها [illegible] مورد تهدید واقع [illegible] میگردد.

[illegible]

آری حال جامعه خیلی خراب و آینده اش بسیار خطرناک است.

توانائی مردم [illegible] که [illegible] چند روز [illegible] هاسرشان گرم زد و [illegible] همه میخواهند دیگران را با لگد [illegible] کرسی و کالت و مقام وزارت و ریاست را اشغال بکنند.

ای دیوانه هائی بیحس و بیشعور هائی خائین و دروغگویان کجامیروید چه میخواهید بکنید. وکالت ووزارت یعنی چه ریاست چندروزه بکدام محکوم بما افتخار و سربلندی که ندارد [illegible] سر خرمن آرد خرواری ۱۰۰ یا ۵۰۰ [illegible]

[illegible]

کجا میروید ای محتکرین، ای تجار، ای قیافه های حق بجانب ای حاجی آقای ریشدار بیایمان که برای چند شاهی مالیات [illegible] کجا است [illegible]

[illegible]

فاش خواهیم کرد

اداره تبلیغات را دیگر لازم بود [illegible] رضاخان [illegible] آخر ما مدعی هستیم که کشور ملی [illegible] مردم را باصول آزادی و دموکراسی عادت بدهیم. [illegible] برخلاف دموکراسی است چرا باید روی اداره تبلیغات قرار بگیرد. این مردیکه [illegible] بوده چگونه میتواند افکار دموکراسی را تبلیغ بکند. پشت این پرده دست [illegible] ارتجاع دیده میشود.

[illegible] این [illegible] برای ما یک [illegible] و یک دیکتاتور [illegible] با در نظر دارند با تجدید [illegible] آخر مردم را [illegible] قرار بدهند.

ما میدانیم [illegible] از کجا آلوده و چه دستهای خون آلودی دارند این [illegible] را اداره میکنند.

ما از فردا با انتشار نوشته های [illegible] این مرد [illegible] پرده را از روی کار [illegible] را فاش خواهیم کرد.

از تاریخچه حزب عدالت

نگارش ع. ح.

چرا میهن خود را ترك میكردند
همشهری از برده پست تر بوده

همشهری خطاب میکردند اورا [illegible] همشهری [illegible] برای خود شخصیتی قائل بوده.

[illegible] میکردند [illegible] راه نمیدادند.

همشهری از برده و غلامان دوره [illegible] پست تر و [illegible] مانند حیوانات کارگر برای کار کردن [illegible] شده بود.

[illegible]

چاههای دستی [illegible] کارگر در عمق دویست [illegible] زمین کار میکرد.

[illegible]

هر روز چندین نفر ایرانی [illegible] در همین چاهها [illegible]

[illegible]

[illegible] این کارگران [illegible] اطراف [illegible]

بقیه از شماره پیش

علت توسعه امراض مقاربتی

و دیگر آنکه چون [illegible] زناشوئی بطور تجارت صورت میگیرد [illegible] هیچ وقت [illegible] اگر زن است مرد خود را و اگر مرد است زن خود را [illegible] و [illegible] میکند و این عمل تجارتی [illegible] مراعات محبت طرفین و احترام [illegible] صورت می [illegible] آداب و رسوم و سنگینی شرایط زناشوئی و هزاران علل دیگر باعث می شود که اگر زن و شوهر از هم تنفر [illegible] قابل فسخ نباشد و [illegible] میسوزند و [illegible].

[illegible] زن و مرد [illegible] در یک منزل زندگانی میکنند زن به مرد [illegible] و مرد [illegible].

بالاخره [illegible] صورت پذیرفته [illegible] مقاربتی میشوند.

بیکاری، تنگی معیشت، کمی مزد [illegible] مردان [illegible] زنان [illegible]

[illegible]

[illegible] وضعیت دچار میشوند و در بین آنها امراض مقاربتی [illegible]

[illegible] معلوم [illegible] آنها توسعه یافته و کم کم همه جا را فرا میگیرد و توده بسیاری از این [illegible].

آری [illegible] دلائل توسعه امراض مقاربتی در این آب و خاک و کلیه ممالکی که نظیر این ملك میباشد بوده است.

دکتر بهبود

در ایران چه خبر است

جلسه سری
مجلس شورای ملی

[illegible] امروز [illegible] دولت جلسه سری در مجلس تشکیل شد ظاهراً مذاکرات [illegible] در خصوص امنیت کشور و اوضاع [illegible] بوده و [illegible] داشته است.

استعفای وزیر فرهنگ

آقای دکتر [illegible] وزیر فرهنگ از ریاست دانشگاه استعفا داده اند.

تعقیب رئیس سابق اداره نان

آقای دکتر [illegible] رئیس [illegible] اداره نان از طرف دیوان کیفر مورد تعقیب قرار گرفته است.

همچنین [illegible] که از طرف [illegible] دیوان [illegible] دولت در وزارت خواربار [illegible] از کارکنان اداره نان مورد سوء ظن واقع شده و آنها را برای سوء استفاده هائی که نموده اند تحت تعقیب قرار داده اند.

آقای پیرنیا داوطلب نیست

آقای پیرنیا رسماً اطلاع داده اند که داوطلب وکالت دوره چهاردهم نیست.

اداره تثبیت قیمتها

در [illegible] که اداره تثبیت قیمتها تحت نظر آقای [illegible] [محل [illegible] دیوان محاسبات] تشکیل و شروع [illegible] و چون اداره کار [illegible] کل کشور [illegible] آقای [illegible] ریاست اداره کل [illegible] آقای [illegible] ریاست اداره کل توزیع و پخش کالاها آقای [illegible] ریاست اداره [illegible] آقای [illegible] ریاست [illegible] آقای [illegible] منصوب شده اند و نیز [illegible] اطلاع حاصله اداره کل تثبیت قیمت ها برای جمع آوری کلیه کالا های انحصاری شروع بتهیه مقدمات کار نموده و [illegible] اجناسی که در گرگان موجود میباشد حمل بمرکز خواهد شد و [illegible] برای شرکت [illegible] احداث شده و طبق قانون [illegible]

[illegible]

افزایش سهمیه قند و شکر

چون سهمیه قند و شکر [illegible] ماه های [illegible] اداره کل خواربار کشور برای [illegible] سهمیه قند و شکر [illegible] از روز [illegible] کوپن شماره ۵ مهرماه ۱۳۲۱ ساکنین تهران [illegible] قند و چهار صد گرم شکر سهمیه مرداد ماه را از [illegible] و خورده فروشان [illegible] کوپن شماره ۶ مهر [illegible] چای دارد.

جو و کاه جیره بندی میشود

اداره کل خواربار کشور برای ایجاد آسایش صاحبان درشکه ها و [illegible] مردم [illegible] درشکه [illegible] جیره بندی [illegible].

[illegible] جو و کاه [illegible] خواهد شد و اکنون مشغول تهیه مقدمات امر میباشد تا پس از برداشتن آمار درشکه های تهران [illegible] صاحبان درشکه ها و تعیین مقدار مورد احتیاج جیره بندی جو و کاه عملی شود.

فرمان مارشال استالین

مسکو — طبق اطلاع خبرگزاری انگلیس [illegible] رادیوی مسکو اطلاع داشت که مارشال استالین حکمی خطاب [illegible] و [illegible] ژنرال [illegible] ژنرال [illegible] و [illegible] آلمان در [illegible] صادر کرده [illegible] اظهار داشته است دیروز که [illegible] نیروی ما [illegible] را در [illegible] تصفیه نمود و از ناحیه [illegible] و [illegible] در جهت [illegible] نیروی دشمن وارد آوردند [illegible]

فرماندهی آلمان [illegible] و [illegible] لشگر [illegible] لشگر پیاده در میدان جنگ اول [illegible]

[illegible]

نیروی دشمن با دادن تلفات سنگین از لحاظ افراد و آلات جنگی در مواضع [illegible]

[illegible] از راه [illegible] آرد شود.

محمد رشاد ابراهیمی

نامه وارده

آقای مدیر محترم

خواهشمند است در صورت امکان مقرر فرمائید این چند سطر را در آن نامه درج نمایند.

اخیرا در بعضی از جرائد [illegible] که دولت [illegible] دارد در مقابل [illegible] کوپن نان بین مردم آرد توزیع نماید گرچه ممکن است اولیاء مسئول برای این امر شرایط و خصوصیاتیرا در نظر گرفته باشند ولی [illegible] که [illegible] لازم و ضروری است قبل از اتخاذ چنین تصمیمی اعلام دارد

۱ — اولا کوپن نان در دست مردم بیش از اندازه احتیاج موجود است چنانچه در مکانهای عمومی اشخاصی هستند که کوپن مختلف نان را با صدای بلند میفروشند.

۲ — ثانیا [illegible] موقع فروش آرد عدم استفاده جو بطور مستقیم و خصوصی و بازار [illegible] و سایر وسائل [illegible]

[illegible]

www.iran-archive.com

در دنیا چه خبر است

پیشرفت نموده و [illegible] در جهت [illegible] [illegible] [illegible] و پنج کیلومتر [illegible] [illegible] های [illegible] که نیروی [illegible] [illegible] بود [illegible] از افراد لشکر های [illegible] آلمانی را [illegible] [illegible] حملات متقابل [illegible] که [illegible] [illegible] [illegible] آلمانی را [illegible] و همان موضعی را که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و پنج کیلومتر در جبهه اول پیشرفت نموده.

از [illegible] برای دفع کامل حملات آلمانیها صورت گرفت [illegible] [illegible] [illegible] آشکار گردید [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] و هوا [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] و شهامت ابراز میدارند.

[illegible] [illegible] [illegible] آلمان [illegible] [illegible] گردیده است.

[illegible] [illegible] آلمانیها [illegible] [illegible] [illegible] نیروی شوروی در همان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] دشمن دو هزار و [illegible] [illegible] و [illegible] و پنج [illegible] [illegible] و چهل و [illegible] [illegible] و ۱۴۸۹ هواپیما [illegible] [illegible] که [illegible] و [illegible] گردیده از دست داده.

که [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نموده ولی تمام [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] از ۱۵۰ تانک و ۴ هنگ پیاده [illegible] [illegible] آتشبار توپخانه و [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] نموده آلمانیها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] که نیروهای شوروی مشغول [illegible] پایدار باشند و [illegible].

[illegible] آلمانی [illegible] از یک [illegible] و [illegible] [illegible] واحدهای کمکی [illegible] روز [illegible] نموده در پایان این [illegible] [illegible] [illegible] از افراد آنها [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] کردند [illegible] [illegible] در کرانه های [illegible] رود خانه که در [illegible] [illegible] [illegible] و موازات راه آهن [illegible] و کاوکا می باشد جریان دارد.

اظهارات هلیفکس

واشنگتن — بقرار اظهار خبرگذاری انگلیس لرد هلیفکس سفیر کبیر انگلیس در آمریکا روز شنبه اظهار داشت حق ارسال کالا بکشور های خارجه بر اساس قانون وام و اجاره دیگر صورت یک [illegible] [illegible] [illegible] دولت انگلیس و امپراطوری [illegible] اکنون [illegible] که کالا [illegible] میدارند بکشور ها کالا [illegible].

در جبهه کوبان

استکهلم — خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اطلاعات [illegible] که [illegible] آلمان [illegible] [illegible] [illegible] نیروی شوروی در جبهه کوبان [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حمله خود را آغاز کرده است.

نبرد سیسیل

[illegible] ارتش متفقین در افریقای شمالی خبرگزاری انگلیس اطلاع میدهد بقرار اطلاعیه [illegible] ارتش متفقین در افریقای شمالی در جنوب [illegible] آلمانیها در [illegible] [illegible] ارتش هشتم مقاومت [illegible] [illegible] نیروهای امریکائی [illegible] [illegible] [illegible] را تصرف کرده [illegible] جنوب جزیره هم [illegible] شکستن مقاومت دشمن میباشند. ارتش هشتم [illegible] [illegible] اسیر و مقدار هنگفتی مهمات جنگی از دشمن گرفته است و آن [illegible] [illegible] [illegible] که هنوز در دست نیروهای محور است [illegible] از [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بسبب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] حمله [illegible].

در نتیجه حملات نیروی هوائی متفقین کشتیهای دشمن یک کشتی [illegible] غرق گردیده و [illegible] کشتی دیگر آسیب [illegible]

پیشرفت ارتش سرخ

مسکو — اطلاعیه [illegible] دولت شوروی حاکی است که نیروی سرخ حملات مکرر [illegible] دشمن را دفع کرده و پیشرفت خویش را ادامه داده و چندین [illegible] آلمانیها را در خاور [illegible] بدست آورده و چندین [illegible] مسکون را در [illegible] [illegible] [illegible] اشغال کرده و از جنوب [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] بدست آورده است. هواپیماهای آلمانی همچنان فعالیت [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هوائی در [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] هواپیماهای آلمانی سرنگون گشته است.

***

مسکو — [illegible] [illegible] خبر نگار مخصوص خبرگزاری انگلیس در مسکو خبر میدهد در روز [illegible] [illegible] [illegible] منتشر شده برای خبرگزاری انگلیس فرستاده است.

بموجب این خبر مقاومت دشمن در بخش اول شدید تر شده.

روز [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible]

از دفتر خاطرات زندان — نگارش ج. پ

اعترافات ابوالقاسم ...

قاتل کاظم روزنامه فروش

در آنجا هم با کمال گردن کلفتی جواب داده از دکان بیرونشان میکردم. از کجا میدانستم که در کشور من همه بسا [illegible] و [illegible] و [illegible] زندگی میکنند.

از کجا میدانستم که مامورین میهن من از زمان [illegible] هم پست تر و نامرد تر هستند مثل روباه ترسو از جلو فرار کرده دشمنی خودرا [illegible] انجام میدهند.

بالاخره مامورین کار را طوری جور کردند که بازرس آمده دکان [illegible] را بست از [illegible] پول گرفت که [illegible] شاهی را ترک کرده بتهران بروم. گفته بودند بودن من در اطراف کارخانه خطرناک است برای اینکه مدتی در ترکستان بوده ام و [illegible] فرقه [illegible] میدهند.

در صورتیکه من هرگز [illegible] سیاست نبوده کمونیست و سوسیالیست نمیدانم وچیزهای دیگرهم سرم نمیشود.

[illegible] دار و [illegible] خود را فروخته بتهران آمدم بهر مقامی که گفته مرجعه [illegible] [illegible] تصور کردم ممکن است [illegible] برسد پناه آوردم از [illegible] داور از [illegible] [illegible] گرفته تا روزنامه ها [illegible] روآورده تظلم کردم کسی هرا [illegible] را جواب نداد.

پس از چند ماه دوندگی بی ثمر پولهایم ته کشید ناچار شدم لباس خودرا فروخته سرمایه قرار داده کاسبی پیش بگیرم. بلی پول البته در تهران که کاسبی نمیشود کرد جواز و کاغذ نمیدانم هزار کوفت زهرمار میخواهند. چند تا نان خریده خواستم بفروش آن مخارج خودرا [illegible] [illegible] از صبح تا غروب چیزی گیرم نیامد طوری خسته فرسوده شده بودم که نمیتوانستم از جای خود تکان خورم. فکرهای تاریکی در سرم موج میزد **میخواستم انتقام بکشم. شاه وزیر وکیل هر که پیشم بیاید شکمش را پاره بکنم** من تقصیرم چه بود. گناهم چه بود مگر کرده بودم. چرا کار و کاسبیم را از دستم گرفتند برای چه نگذاشتند [illegible] [illegible] [illegible] آورده زندگانی [illegible] خودرا ادامه دهم.

خود رضا خان مگر چکاره بود. اول خیال میکردم لوطیگری و من سرم و تو سبزی سرش میشود.

شنیده بودم اوایل زندگیش مثل مال ما دشوار بوده ولی وقتی که به تهران آمدم اطراف قصر را تماشا کردم روزنامه ها و داد و فغان نویسندگان دروغگو را باعمل دولت و شاه برانداز کردم فهمیدم که خیلی نامرد است وتمام اشخاصی هم که دور او جمع شده اند از خود او هم نامرد ترند.

تصمیم گرفتم از این نامرد ها هر که جلویم بیاید انتقام بکشم مخصوصاً از روزنامه ها که [illegible] مداحی وچاپلوسی میکردند سخت بیزار شده بودم.

از کلیه اطلاعاتی که روزنامه فروشها با آن آب و تاب و فریاد چیز های مهم دروغی بخورد مردم می دادند بدم میآمد واز شنیدن اسم آن بدم مرتعش می شدم.

اوضاع نیروی محور در سیسیل

لندن — دالوبهیرون خبر نگاری ویژه خبرگزاری انگلیس چنین اطلاع میدهد. آلمانیها چون تمام فرودگاههای خودرا از دست داده و بیشتر [illegible] نیروهای خود را حفظ کنند [illegible] [illegible] [illegible] پایداری برای آخرین مرتبه در دورترین نقاط شمال خاوری جزیره میکنند بر اثر [illegible] نیروی هوائی متفقین یک [illegible] [illegible] بمب افکنها و شکاری های بمب افکن تمام نقاط دریا را از شمال جزیره گرفته تا شمال [illegible] [illegible] آن از وجود عناصر دشمن تصفیه میکنند و سد محاصره را پیوسته محکم تر مینمایند. کشتی های مخصوص پیاده کردن نیرو پیوسته [illegible] [illegible] امروز خبر رسید که ناوگان [illegible] [illegible] های شمالی اوکوستا را بار دیگر [illegible] باران کرده اند دو ناوشکن که در این کار شرکت کرده با سه کشتی مشابه دشمن مبارزه نموده و دو تا از آنهارا آسیب رسانیده مهمترین خبر واصله [illegible] [illegible] دیروز همان حمله شد [illegible] است که بر کشتی های مخصوص پیاده کردن نیرو در کرانه شمالی جزیره وارد آمده وهر چند تشریح نشده که این کشتیها پر بوده است یا خیر و یکجا حرکت می کرده اند ولی وجود آنها در حال حاضر حائز اهمیت میباشد دو تا از آن کشتی ها غرق شده است. وارد آمده ودو کشتی هم آتش گرفته است

نمایشگاه شوروی در ایران

تهران — بقرار اظهار خبرگزاری شوروی نمایشگاه [illegible] منابع زمان جنگ شوروی در تهران در سالون یکی از بزرگترین دبیرستان های تهران که وزیر فرهنگ ایران برای این منظور اختصاص داده بود افتتاح شد.

این نمایشگاه پیشرفت های بزرگی را که [illegible] سینما و ادبیات و نقاشی وحجاری موزیک شوروی در زمان جنگ بزرگ کنونی که بمنظور نجات میهن آغاز گردیده پیدا شده است نشان میدهد.

هنگام افتتاح نمایشگاه مزبور نخست وزیر و رئیس مجلس و وزیر فرهنگ و وزیر جنگ و سایر وزیران و نمایندگان سیاسی و افسران ارشد آرتش ایران و نویسندگان و هنرپیشگان و نمایندگان روزنامه‌های ایران و خارجه حضور داشتند.

هنگام افتتاح نمایشگاه چهارصد نفر حضور داشته و رفیق ماکزیموف کاردار سفارت شوروی درایران نطق مختصری درباره دو سال جنگ دلیرانه ملت های شوروی و فعالیتهای هنرپیشگان و نویسندگان و موسیقی دانان که ابتکارات جالب توجه خود را باختصاص باین جنگ بزرگ دادهاند ایراد نمود. سپس در پایان جشن نمایشگاه برای ورود عموم آزاد گردید.

اوضاع فرانسه

ژنو — بقرار اظهار خبرگزاری شوروی روز ۱۴ ژوئیه در لیون اوضاع خیلی جالب توجه بود. یک شب بهال [illegible] برپا شد. در کوچه ها عبور و مرور بیاموجب قدغن و [illegible] عبور و مرور در میدان های بل‌کورو [illegible] و حوالی برای عابرین قدغن شد واین مراکز تحت مراقبت پاسبانان در آمد. کوچه ها قبل از ساعت خواب خلوت شد. در اثنای روز عده زیادی از ساکنین شهر داشتن نوارهای سه رنگ در کوچه ها عبور و مرور میکردند. اولیای امور دولت آلمان برای اینکه تلافی بکنند [illegible] [illegible] [illegible] خوار بار [illegible] که به اهالی داده میشود کاسته شود.

فقط ۸۰ هزار سرباز بکار رفته

شیکاگو — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس ورت پاترسن معاون وزارت جنگ امریکا اعلام داشت که فقط ۸۰۰۰۰ تن سرباز بوسیله هواپیما در حمله بر سیسیل بکار رفته است تبلیغات محور دائر براینکه صد هزار چترباز در حمله بر سیسیل نابود [illegible]

شدهاند بی اساس وعاری از حقیقت است. مقاومت محوریها در سیسیل بقدری ناچیز بود که هرگز انتظار آن نمیرفت.

نبرد جزیره سیسیل بزودی پایان خواهد یافت وتا چند روز دیگر کار سیسیل یکسره خواهد شد.

مذاکرات هیتلر و موسولینی

استکهلم — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس روزنامه سوسیال دموکراتن درباره خبریکه ایستگاههای رادیوی آلمان انتشار دادند چنین مینویسد که در ضمن ملاقات هیتلر وموسولینی پیشوای ایتالیا از هیتلر در خواست کرده است که دوباره بایتالیا کمک ومساعدت نماید زیرا بعقیده وی چنین کمکی عقیده‌ایرا که درایتالیا شایع است مبنی براینکه آلمان ایتالیا راجلو واگذار کرده و بالنتیجه [illegible] نمیکند از میان خواهد برد. هیتلر بوی پاسخ داده است که غیر ممکن است حتی یک لشکر از جبهه شوروی بایتالیا انتقال داد.

اوضاع از لحاظ تانک و هواپیما شبیه بیکدیگر است.

هیتلر بموسولینی گفت که حاضر است چهار لشکر آلمان در فرانسه را بایتالیا بفرستد.

بموجب حسابیکه کارشناسان آلمان کرده اند دست کم ثلث تعداد لکوموتیوها و واگون های ایتالیا برای انتقال این لشکرها لازم است.

هیتلر پیشنهاد کرده است که در عوض این کمک که آلمان بایتالیا میکند ژنرال کسل رینگ فورا بفرماندهی نیرو های آلمان و ایتالیا در سیسیل برگزیده شود. روزنامه های آلمان هیچگونه تفسیری درباره مذاکره این دو رئیس دولت ننموده اند و توانایی دروغ نیست که هیتلر قول داده باشد کم و بیش در دفاع ایتالیا شرکت کند.

اشغال بندر

لندن — بقرار اظهار خبرگزاری انگلیس خبر نگار مخصوص خبرگزاری انگلیس خبر میدهد که دیروز سپاهیان آمریکا بندر ترابانی را اشغال نمودند بندر ترمینی نیز که در خاور پالرمو کاستل ونرار واقع است و مهمترین فرودگاه هوائی سیسیل در آنجاست اشغال گردید.

هر چند مقاومت دشمن در باختر جزیره سیسیل درهم شکسته شده ولی از اکتشافات هوائی که شده اینطور برمی‌آید که قبل از رهائی انتهای شمال خاوری جزیره از دست دشمن باید منتظر نبرد های بسیار شدیدی بود.

چاپخانه طلوع

تالیف ا. پوشکین — ترجمه کریم کشاورز

(پس از مرگ مصنف منتشر گشته)

— ۳۸ —

داستان «دوبروسکی»

— منزل من سه [illegible] گذشته در خانه من ناهار خورد و تمام انظار متوجه [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] [illegible] اخلاق [illegible] و خوی بشاش [illegible] [illegible] [illegible] متوجه گشت. جاملگی [illegible] تمام حاضر به اصغای حکایت او شدند و [illegible] [illegible] چنین گفت

— باید قبلا بدانید که سه هفته قبل من مباشر خود را به پستخانه فرستادم که مبلغی پول جهة پسرم [illegible] بفرستد. پسرم را من نازو بچه ننه بار نمی آوردم و اگر هم چنین مبلغی میداشتم استطاعتش را ندارم. باوجود این خودتان بهتر میدانید که صاحب منصب گارد امپراطوری باید منات مخارجش خرج کند و خوب زندگی کند و من تا اندازه که بتوانم از عواید خود سهمی باو میدهم. دو هزار منات برایش فرستادم گرچه چندین بار وجود دوبروسکی در این نواحی حواسم را مشوش کرده و بفکر او افتادم ولی تصور کردم که شهر نزدیک است و فاصله یک فرسخ بیش نیست و اشخاص سانحه‌ای روی نمیدهد و پول [illegible] [illegible]. دیدم عصری مباشرم پیاده برگشت، رنگش پریده و لباسش دریده. من [illegible] دیدن این وضع فریاد زدم، چه شده. ترا چه شده؟ او جواب داد:

[illegible] خانم جان دزدها زدند. نزدیک بود خودم را هم بکشند. خود دوبروسکی هم میان آنها بود و خواست دلوم [illegible] ولی دلش سوخت ولم کرد اما در عوض هرچه داشتم گرفت و عرابه و اسب را هم برد. من دیگر مردم و فکر کردم خدایا پسرم جانی بپولی چه خواهد کرد. کاری دیگر از دستم بر نمیآید. کاغذی به پسرم نوشتم و واقعه را شرح دادم و دعای خیر در حقش کردم. بدون اینکه دیناری پول برایش بفرستم. یک هفته گذشت وهفته دیگری هم گذشت و روزی ناگهان کالسکه ای داخل حیاط خانه من میشود. خبر دادند که سرتیپ میخواهد بامن صحبت کند. گفتم بفرمایند. خوش آمدند مردی بسن ۳۵ دارای رنگی تیره و چشمانی سیاه وریش و سبیل تراشیده وارد شد وخود را معرفی کرد که دوست و همکار شوهر مرحوم ایوان آندرویچ است و از این سمت عبور میکرد و چون میدانست منزل زوجه رفیق متوفایش نزدیک است وظیفه خود دانست سری بزند و سلامی بکند

من ضیافتش کردم و هرچه داشتیم بمیان گذاشتم و از اینطرف و آنطرف صحبت کردیم و بالاخره بموضوع دوبروسکی رسیدیم و مصیبتم را برایش نقل کردم. آقای سرتیپ ابرو درهم کشید و گفت: خیلی جای تعجب است من شنیده‌ام که دوبروسکی بهر کسی حمله نمیکند و فقط یک عده از متمولین را مورد تهاجم قرار میدهد و حتی آنها را هم هیچوقت بالتمام نمی چاپد و چیزی برایشان باقی میگذارد و هیچوقت هم نشده است که کسی او را متهم به قتل نفس و یا چنین قصدی کرده باشد. شاید اینجا حقه‌ای در کار باشد. امر بکنید مباشرتان را احضار کنند.

رفتند پی مباشر و آمد. همینکه چشمش بژنرال افتاد حس و حرکت از او سلب شد و بجای خود مانند مجسمه ایستاد.

ژنرال باو گفت

«خوب برادر نقل کن که دوبروسکی چطور پولهایت را گرفت وچطور میخواست غارت بزند».

مباشر را تشنجی عارض شد و بپای ژنرال افتاده وگفت:

— آقا جان مقصرم گناهکارم دروغ گفتم

ژنرال گفت: «حالا که اینطور است پس بارها برای خانم عین‌واقع را حکایت کن و من گوش میکنم».

مباشر نمیتوانست حرفی بزند.

ژنرال گفت:

— خوب بگو که کجا تو به دوبروسکی برخوردی

— آقاجان بهاری دو درخت کاج، پهلوی دو درخت کاج

— خوب دوبروسکی به تو چه گفت؟

— پرسید آدم کیستی و کجا میروی و چه کار داری؟

— خوب بعد؟

— بعد کاغذ وپول را از من مطالبه کرد

بعد؟

— کاغذ و پول را باو تسلیم کردم

— خوب او چه کرد؟

— آقاجان ببخشید مقصرم

— خوب او چه کار کرد دیگر

— او پول و کاغذ را بمن ردکرد وگفت برو بی کارت و اینها را به پست خانه برسان

خوب بعد

— آقاجان هرگز [illegible] مقصرم

ژنرال گفت: